

رابطه معنایی «ظلم» و «امامت» در قرآن کریم*

سید علی واعظزاده (نویسنده مسئول)**

سید حیدر علوی نژاد***

سید علی حسینی****

چکیده

مفهوم «امامت» از مفاهیم کلیدی قرآن کریم است که در نظام واژگان قرآنی از اهمیت فراوانی برخوردار است و در جهان بینی و نظام عقیدتی شیعه جایگاه ویژه‌ای دارد و بسیاری از اختلافات میان فرقه‌های اسلامی به علت کژفهمی‌هایی است که از این موضوع و مصادیق آن داشته‌اند. از سوی دیگر اگر اصل امامت اثبات نشود، بسیاری از عقاید شیعه بی‌اساس و پایه می‌ماند. هدف از این پژوهش بررسی میدان معنایی ظلم و امامت با روش میدان معنایی ایزوتسو است. بررسی کاربست‌های قرآنی مفهوم «امامت» در این پژوهش نشان می‌دهد که این واژه با چهار مفهوم کلیدی هدایت، ولایت، تبعیت و اطاعت در ارتباط است. همچنین میدان معنایی ظلم در آیات قرآن کریم نیز با مفاهیمی همچون کفر، شرک، فسق، تعدی، ولایت غیر خداوند، تکذیب آیات الهی، ضلالت و در مقابل آن عدالت و هدایت در ارتباط است. این دو مفهوم به لحاظ معنایی از سه جهت در مقابل هم قرار می‌گیرند؛ تبعیت، اطاعت و هدایت. هدایت الهی در صورتی محقق می‌شود که ولایت امامان منصوب از سوی خداوند را پذیرفت و نه ولایت ظالمان را؛ همچنین ولایت در صورتی معنا می‌یابد که از امام و ولی اطاعت و تبعیت شود.

کلید واژه‌ها: میدان معنایی، ظلم، امامت، ولایت، تبعیت، هدایت.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۴/۱۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۱۰.

** دانش‌پژوه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفیٰ العالمیه/

alivaez60@yahoo.com

*** استادیار جامعه المصطفیٰ العالمیه و مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه

**** دانش‌پژوه دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفیٰ العالمیه / shahab4022@gmail.com

مقدمه

انسان برای ارتباط و انتقال مفاهیم ذهنی خود به دیگران بایستی از یک زبان مشترک با دیگران کمک گیرد. معناشناسی زبانی مطالعه علمی معنای مراد از یک لفظ و لوازم آن در گذر زمان یا در دوره‌ای خاص است. مطالعه‌ای که باید صریح، بدون پیش‌داوری و پیش‌انگاشته، بدون تعصب و محک‌پذیر باشد. (صفوی، ۱۳۷۹: ۶) به عبارت دیگر معناشناسی شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی است که به نظریه معنا یا به بررسی شرایط لازم در لفظ می‌پردازد تا قادر بر حمل معنا باشد. (اختیار، ۱۳۴۸: ۱۲۷)

اگرچه هنوز در زمینه معناشناسی، علم یکنواخت و سازمان‌یافته‌ای وجود ندارد (ایزوتسو، ۱۳۸۸ (الف): ۳)؛ با این حال در علوم فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و منطق به آن توجه شده است (سیدی، ۱۳۹۰: ۳۸-۳۷) از همین رو، با شاخه‌های متعددی از جمله معناشناسی زبانی انقسام یافته است. در معناشناسی زبانی به خود زبان توجه می‌شود و معناشناس با مطالعه معنا به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنا از طریق زبان است. (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۸)

ورود معناشناسی به تفسیر واژگان قرآن پدیده‌ای نوظهور و مبارک است که دریچه‌ای جدید به روی مفسر می‌گشاید و گرچه پیشینه‌چندانی ندارد، اما ردپایی از آن در مطالعات زبان‌شناسی یافت می‌شود. با این حال به صورت یک علم تفکیک شده، کمتر از نیم‌قرن سابقه دارد. (شریفی، ۱۳۹۵: ۲۸) رسالت اصلی روش معناشناسی در نظام واژگان قرآنی، مطالعه علمی واژه در مجموعه‌ای از واژگان است که در قرآن با هم به کار رفته و از آن به میدان معنایی تعبیر می‌شود.

توشی‌هیکو ایزوتسو^۱، قرآن‌پژوه ژاپنی اولین فردی است که بر پایه مباحث و آراء لئو وایزگربر و زبان‌شناسی قومی، روشی را بنیان نهاده و با تألیف دو کتاب «خدا و انسان در قرآن» و «مفاهیم/اخلاقی دینی در قرآن مجید» این روش را درباره واژگان قرآنی به کار بسته است. بر اساس دیدگاه ایزوتسو، معناشناسی واژگان در واقع مطالعه تحلیلی درباره کلمات کلیدی زبان است که از این راه به جهان‌بینی نهفته کسانی که این ابزار راه ارتباطی آنان است، دست می‌یابیم؛ چرا که هر زبانی بر اساس ذهنیت خود واقعیات را طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری می‌کند. به عبارتی فرهنگ و جهان‌بینی در معنای واژگان دخیل‌اند. (لطفی، ۱۳۹۳: ۵۲-۳۹)

۱. Toshihiko Izutsu

هرچند معناشناسی ایزوتسو از برخی جهات دارای نقاط قوت و ضعف است (مطبع، ۱۳۸۸: ۱۳۲-۱۰۵؛ لطفی، همان) اما در سال‌های اخیر، تعداد زیادی از محققان، علاقه‌مند به استفاده از روش میدان معنایی^۱ در فهم قرآن کریم شده‌اند و پژوهش‌های مفیدی در این زمینه به چشم می‌خورد.

نیاز زاده (۱۳۸۴) با گزینش آیات هم‌نوا به بررسی ویژگی‌های مفهومی ولایت پرداخته است. از نظر وی، ولایت قسم است:

۱. سرپرست و مدیر یا متولی (ولی برتر)؛

۲. ولی‌یی که با اطاعت و تبعیت، نقش خود را در ارتباط ولایی ایفا می‌کند؛

۳. ولی‌یی که نه تابع است و نه متبوع، بلکه همراه بودن و هم‌دل بودن با او بیشتر ظهور دارد.

میدان معنایی واژه ولایت با مفاهیمی همچون اطاعت، عبادت، هدایت، محبت، تبعیت، صراط، حزب سروکار دارد.

علوی‌نژاد (۱۳۷۹) نیز با استفاده از روش میدان معنایی ایزوتسو از طریق رابطه بین تبعیت، اطاعت و ولایت، به این نتیجه دست یافته است که در ولایت افزون بر معنای تبعیت، جنبه عاطفی هم لحاظ شده است و مفهوم ولایت اگر در فضای تبعیت قرار گیرد، مشخصاً دیگر به معنای دوستی عاطفی نخواهد بود، چرا که آنها باهم هم‌نشینی و جانشینی دارند.

در پژوهشی دیگر، کاظمی (۱۳۹۴) با استفاده از روابط هم‌نشینی و جانشینی به بررسی میدان معنایی اطاعت در قرآن کریم پرداخته است. بر پایه این پژوهش، اطاعت در محور هم‌نشینی با واژه‌هایی نظیر الله، رسول، اولی‌الامر و بر محور جانشینی با واژه‌هایی چون تسلیم، اتباع، عبادت، تفویض، و با مفاهیم مقابل آن نظیر عصیان، استکبار، کفر و طغیان در یک میدان معنایی قرار می‌گیرند. با توجه به جستجوهای نگارنده و مطالعات مرور شده، تاکنون مطالعه‌ای به بررسی رابطه معنایی ظلم و امامت در قرآن کریم به روش میدان معنایی نپرداخته است.

۱. Semantic Field

۱. اصول معناشناسی

الف) معنای پایه و معنای نسبی

معنای پایه واژه، معنایی است که جدا از کلمات دیگر فهمیده می‌شود و همواره در آن واژه وجود دارد، اما معنای نسبی نوعی دلالت ضمنی است که در زمینه‌ای خاص و در اثر پیدا شدن وضع خاصی برای آن واژه به معنای اصلی پیوسته و بر آن افزوده می‌گردد. بنابراین مهم‌ترین عامل در پدید آمدن معنای نسبی، مقام کاربرد و استعمال است. از همین رو، روش اساسی در شناخت معنای نسبی، تجزیه و تحلیل بافت^۱ است که در عبارات علمای اسلامی سیاق نامیده شده است. (سعیدی روشن، ۱۳۸۷: ۱۰۸-۷۵)

ب) میدان معنایی

مجموعه‌ای از کلمات که دلالتشان به هم مربوط است و معمولاً تحت یک واژه عام که آنها را پیوند می‌دهد، جای می‌گیرند. (صفوی، ۱۳۷۹: ۵۱) این موضوع در مطالعه دلالت درون‌زبانی اهمیت فراوانی دارد، چرا که برای فهم معنای کلمه نیاز است که کلمات مرتبط با آن نیز فهم گردد.

هدف از میدان معنایی، گردآوری تمام واژگانی است که به حوزه مشخصی اختصاص دارند و کشف رابطه آنها با واژه عام کانونی. مبنای پیش‌فرض میدان معنایی است که واژگان یک زبان از هم بریده نیستند، بلکه نظام خاصی دارند که این الفاظ و ارتباطشان، خود نیز از یک جهان‌بینی واحد نشأت می‌گیرند و خود حاکی از مفاهیم آن جهان‌بینی‌اند.

ج) کلمات کلیدی و کانونی

در یک نظام واژگانی همه واژه‌ها نقش یکسانی ندارند، بلکه برخی نقش پررنگ‌تری دارند که به آنها واژگان کلیدی گفته می‌شود. در معناشناسی متن، اولین قدم شناخت کلمات کلیدی از طریق تکرار و فراوانی، تنوع در کاربرد صرفی و نحوی، مشتقات، ترتب آثار مهم و هم‌نشینی و جانشینی است.

کلمه کانونی یک واژه کلیدی خاص است که در محدوده یک نظام واژگانی بزرگ، نقش مرکزیت را برای واژگان کلیدی دیگر دارد، مانند ایمان یا واژه الله که در قرآن

رشته، طراز و انشاء و ترکیب کلام: ۱. Contexture

کلیدی‌ترین و قانونی‌ترین واژه است. پیرامون کانون دو دسته کلمات کلیدی هستند: کلمات با خصوصیت مثبت و کلمات با خصوصیت منفی. (قائمی‌نیا، ۱۳۹۳: ۵۴۴)

کلمات کلیدی از چندین راه میدان معنایی را به وجود می‌آورند:

رابطه هم‌نشینی: هم‌نشینی رابطه الفاظ است که در یک زنجیره کلامی در کنار هم قرار گرفته‌اند (هم‌نشینی معنایی) در قالب وصف، تمییز، اسناد و

رابطه جانشینی: در روش معناشناسی هم‌زمانی بر روی آن تکیه می‌شود. این رابطه، نسبت میان الفاظ زنجیره کلامی با واژگانی است که می‌توانند از طریق استعاره، مترادف و ... جایگزین این الفاظ شوند. (ایزوئسو، ۱۳۸۸: ۱۹۶)

رابطه تقابل: این رابطه هنگامی است که دو مفهوم مهم کلیدی مانند ایمان و کفر در مقابل یکدیگر (به صورت تباین کامل یا عموم و خصوص من وجه) قرار می‌گیرند.

۲. رابطه ظلم و امامت در نگاه مفسران و متکلمین

دو مفهوم امامت و ظلم در آیه ۱۲۴ سوره بقره (امامت) با یکدیگر به کار رفته‌اند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ؛ و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: من تو را امام مردم قرار دادم. [ابراهیم] پرسید: از دودمانم [چطور]؟ فرمود: پیمان من به ظالمان نمی‌رسد. (بقره: ۱۲۴)

در تفسیر این آیه آرای مختلفی از سوی مفسران بیان شده است. برخی امامت ابراهیم علیه السلام را به نبوت تفسیر کرده‌اند. بنا بر دیدگاه مذکور مراد از امام، نبی صاحب شریعت است که دیگران تابع اویند و او تابع دیگران نیست و در نتیجه پیامبران فاقد شریعت مستقل و نیز خلفای پس از پیامبر چون تابع پیامبرند، امام به قول مطلق نخواهند بود. (فخر الدین رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۴: ۳۹) ابن جریر طبری نیز امامت ابراهیم علیه السلام را به پیشوایی جهانی او برای نسل‌های پس از خود تفسیر نموده است (طبری، ۱۳۵۶، ج ۱: ۶۱۰)

علمای شیعه همانند شیخ طوسی و شیخ طبرسی، امامت را به زعامت و رهبری سیاسی (طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۴۴۷؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۳۴ و ۳۵) و علامه طباطبایی امامت در آیه مورد بحث را به معنای هدایت‌گری باطنی (که این هدایت از سنخ راهنمایی و

نشان دادن راه نیست، بلکه از مقوله رسانیدن به مقصود و مطلوب است) تفسیر کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۲۷۱)

اما مراد از ظالم در آیه شریفه چه کسانی هستند؟ متکلمان شیعه با استفاده از ادله عقلی و نقلی قائل‌اند که هرکسی ظلمی از او صادر شده، نمی‌تواند عهده‌دار منصب امامت گردد، چه اینکه آن ظلم، شرک باشد و چه معصیت، چه اینکه در همه عمرش مشرک باشد یا اینکه در ابتدا مشرک بوده و بعد توبه کرده و صالح شده باشد، زیرا در آیه فوق، مدت و میزان ظلم مقید نشده است؛ یعنی حتی یکبار ابتلا به ظلم و پشیمانی بعد از آن، ظالم را از ظلم مبرا نمی‌کند. حتی برای فردی که گناهی مرتکب شده و بعداً توبه کرده است، می‌توان حکم نفی امامت را صادق دانست، چرا که تا قبل از توبه یقیناً نفی امامت شامل حال فرد ظالم شده است، حال شک داریم آیا بعد از توبه او، او برای امامت صلاحیت دارد یا نه؟ یقین سابق در حق او باقی می‌ماند و دلیل خاص یا عامی برای صلاحیت او به ویژه برای ولایت و امامت نداریم (طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۴۴۹؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۲۰۲) به علاوه سیاق آیه نشان می‌دهد، ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام که برای آنها درخواست امامت شده است از دو حال خارج نیستند؛ آنهایی که در ابتدا ظالم هستند اما در انتها خوش‌عاقبت می‌شود و آنهایی که در هیچ قسمت از عمر خود ظالم نیستند. خدای متعال یکی از دسته‌ها را خارج نموده و در نتیجه یکی باقی می‌ماند. (طباطبایی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۴۱۵)

واضح است که تفاسیر ارائه شده، فارغ از اتقان یا عدم اتقان آنها، مبتنی بر پیش‌فرضهای کلامی و اعتقادی است که پذیرش آن را برای عامه مسلمانان دشوار می‌سازد، چرا که شناخت و باورپذیری مباحثی همچون امامت پیوند ناگسستنی با داده‌ها، اطلاعات و اخبار ثابت‌کننده این مقولات از مجراهای قابل‌اعتماد دارد و ثمره این پیوند که از آن به معرفت و شناخت تعبیر می‌شود بی‌گمان در جهان‌بینی انسان، ایجادکننده شاخصه‌های خاصی می‌گردد. در این میان، کلام الهی دریایی نامتناهی از معارف را در خود جای داده است که مطمئناً تفحص در آن می‌تواند ویژگی‌هایی از بحث امامت و باورپذیری آن را به گونه قابل اعتماد و به دور از هر گونه تعصبات مذهبی ارائه کند.

۳. میدان معنایی امام از نگاه قرآن کریم

واژه امام چه به صورت مفرد یا جمع در دوازده آیه از قرآن کریم به همان معنای امام و پیشوا (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۸۷؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۲؛ فراهیدی، ۱۴۲۵ق، ج ۸: ۴۲۸؛ ابن منظور، ۱۹۹۷م، ج ۱۲: ۲۶) به کار رفته و یکی از مفاهیم کلیدی است که بسیاری از صفات مهم دیگر چه مثبت و چه منفی بر محور آن می‌گردد.

مراد از امامت در جهان‌بینی قرآنی نگاه ویژه‌ای به اصل امامت است که در کاربردهای قرآنی دیده می‌شود. این واژه در کلام و اعتقادات شیعیان جزو یکی از اصول مذهب قرار گرفته و اصولاً فهم صحیح بسیاری از صفات اعتقادی، اخلاقی و حقوقی بسته به فهم این واژه و به ویژه تشخیص مصداق امامان، ویژگی‌های آنها و وظایفشان می‌باشد. از همین‌رو همواره در صدر مباحث دانشمندان اسلامی، به ویژه متکلمان قرار گرفته است. دانشمندان اهل سنت امامت را در فضای فقهی کلامی خود مرتبط با مفهوم خلافت و حاکمیت صرفاً سیاسی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعریف می‌کنند و آیات قرآنی دربردارنده امامت را اساساً از این حوزه بیگانه و مخصوص انبیا می‌دانند اما در میان عالمان مکتب اهل بیت علیهم السلام امامت سیاسی از حیث شرایط و شئون آن با ماهیت امامت در نگاه قرآن کریم مشترک دیده می‌شود. هرچند معمولاً پیرامون بودن منازعات کلامی و صبغه جدلی آنها، سطح مباحث را در حد روش کلامی و با تأثر از فضای کلامی اهل تسنن تنزل داده و از روش متعالی قرآنی در طرح مسئله امامت دور کرده است. (اسعدی، ۱۳۸۹: ۱۹۸-۲۰۳)

با بررسی کاربردهای قرآنی واژه امام، مهم‌ترین واژگان کلیدی شبکه معنایی امامت به ترتیب زیر است.

الف) امامت و هدایت

واژه هدایت، مصدر و به معنای راهنمایی و ارشاد است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۸۳۵) این واژه در قرآن کریم به صورت متعدی (بقره: ۲۱۳؛ اسراء: ۹) و هم به صورت لازم (فاتحه: ۶) به کار رفته است. با مراجعه به میدان معنایی هدایت در می‌یابیم که این واژه کانونی با مفاهیمی چون علم و یقین، کتاب الهی، حق (زمر: ۴۱)، تبعیت (اعراف: ۱۵۸)، اطاعت (نور: ۵۴)، ایمان (بقره: ۲۱۳)، اعراض و تکذیب آیات الهی (کهف: ۵۷)، تبعیت از هوای مشرکین (انعام: ۵۶)، ایمان به جبت و طاغوت (نسا: ۵۱) و ضلالت سروکار دارد.

در قرآن کریم، دو مفهوم امامت و هدایت چندین بار به صورت صریح و مستقیم در یک میدان معنایی قرار گرفته‌اند. هدایت ویژه‌ای که به امر الهی تحقق می‌یابد و امامانی که مستقیماً^۱ توسط خداوند هدایت می‌شوند: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (سجده: ۲۴؛ انبیا: ۷۳) و به مؤمنین فرمان می‌دهد که برای هدایت یافتن، به آنان اقتدا کند: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ» (انعام: ۹۰) حال این خود فرد است که با اختیار و آگاهی، خویشتن را مستحق ضلالت و آتش یا در سوی مقابل در معرض هدایت قرار می‌دهد (انعام: ۱۱۷؛ نحل: ۱۲۵؛ قلم: ۷؛ قصص: ۸۵)

ب) امامت و ولایت

ولایت هنگامی است که دو چیز در کنار هم یا پشت سرهم به گونه‌ای قرار گیرند که مانعی بین آنها نباشد. هرگاه این واژه در مورد دو موجودی ذی‌شعور، مانند دو انسان، به کار رود، بدان معناست که رابطه‌ای قوی بین آن دو وجود دارد که تمام شئون وجودی ایشان را فراگرفته است. پیوند مورد نظر پیوندی است که دو انسان را چنان به هم نزدیک می‌کند که هیچ مانعی بین آن دو باقی نمی‌ماند و حتی اعتقادات، عواطف و رفتارهای آنان یکی می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۸۸۵) بنابراین رابطه ولایت، رابطه طرفینی است و دو طرف نسبت به یکدیگر دارای تأثیر و تأثر هستند. این ولایت گاهی دایره‌ای وسیع و گسترده مانند ولایت تکوینی خداوند بر هستی و یا ولایت تشریعی خداوند و پیامبر ﷺ و امامان معصومین ﷺ در قانونگذاری و فرمانروایی بر جامعه را شامل می‌شود. (واقف‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۳۸-۲۱۱)

در کاربردهای قرآنی مفهوم ولایت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا بر اساس جهان‌بینی قرآنی خدا در محور و مرکز قرار دارد و ولایت اعم از تکوینی و تشریعی و به صورت مطلق و عام، فقط برای خداوند سبحان است و برای قرار گرفتن در این جهان‌بینی بایستی تمام افراد و در همه جوانب با او رابطه داشته باشند: «وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (بقره: ۱۰۷ و ۱۲۰؛ آل عمران: ۱۵۰؛ نساء: ۸۹ و ۱۲۳؛ انعام: ۵۱ و ۷۰؛ توبه: ۱۱۶؛ احزاب: ۱۷؛ فتح: ۲۲؛ سجده: ۴؛ عنکبوت: ۲۲؛ شوری: ۳۱) و به تبع ولایت خداوند است که ولایت رسول الله و معصومین ﷺ (مائده: ۵۵)،

۱. باء بر سر کلمه امر در «يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» آمده یا باء سببیت است و یا باء آلت و ابزار؛ پس یا به سبب امر تکوینی خداست که ائمه هدایت می‌کنند یا به واسطه این ابزار که امر تکوینی خداوند است، آنها راهنما هستند، یعنی امام، هدایت تکوینی انسان‌ها را به عهده دارد.

مؤمنان و پرهیزکاران(انفال: ۳۴؛ انفال: ۷۲؛ توبه: ۷۱) و حتی رابطه‌های انسان خدامحور با یکدیگر مشخص می‌شود.

ج) امامت و تبعیت

تبعیت به معنی پیروی است و به ناچار باید متبوعی باشد تا تبعیت معنا یابد؛ خواه به‌طور معنوی و اطاعت باشد و خواه به‌طور محسوس و دنبال کردن(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۶۲؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۶۵؛ ابن‌منظور، ۱۹۱۷م، ج ۸: ۲۸) خداوند در آیات بسیاری از قرآن کریم، به همگان دستور می‌دهد که از پیامبر اکرم ﷺ (اعراف: ۱۵۸؛ یس: ۲۱)، صراط مستقیم(انعام: ۱۵۳) و هادیان به سوی حق(یونس: ۳۵) تبعیت کنید و در مقابل آن از ظن(یونس: ۶۶؛ انعام: ۱۱۶)، خطوات شیطان(بقره: ۲۰۸؛ نور: ۲۱) و تکذیب کنندگان آیات الهی(انعام: ۱۵۰؛ مائده: ۴۸ و ۴۹؛ شوری: ۱۵) پیروی نکنید. اگر فردی خود را در گروه مؤمنان و ولایت خداوند قرار ندهد، خواه ناخواه در گروه مقابل یا کافران قرار گرفته و تحت ولایت طاغوت قرار می‌گیرد: «الَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ»(بقره: ۲۵۷)؛ ولیکن پذیرفتن ولایت دیگری تنها با تبعیت و اطاعت از او ممکن است.(آل‌عمران: ۶۸)

د) امامت و اطاعت

اطاعت از ریشه «طوع» معنایی بسیار نزدیک به تبع دارد. بدین معنا که طاعت به معنای انقیاد و فرمانبری است(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۵۲۹)، جز آنکه طاعت بیشتر درباره فرمانبری با اختیار است در آنچه که بدان امر شده است. شاید بتوان اطاعت و تبعیت را در یک میدان معنایی بحث کرد؛ در قرآن کریم نیز این دو مفهوم در یک آیه و در معنای مترادف با هم به‌کار رفته‌اند(طه: ۹۰) از همین رو، عجیب نیست مفهوم عصیان که در آیات قرآن در مقابل مفهوم اطاعت بکار برده شده است(فتح: ۱۷؛ جن: ۲۳؛ نسا: ۱۴) در مقابل با تبعیت نیز قرار گیرد(ابراهیم: ۳۶؛ طه: ۹۳؛ نوح: ۲۱) خداوند در فرازهای بسیاری از آیات قرآن کریم، دستور به از خویش(آل‌عمران: ۵۰؛ شعرا: ۱۰۸: ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۶۳ و ۱۷۹؛ تغابن: ۱۶؛ زخرف: ۶۳؛ نوح: ۳)؛ از فرستادگانش(آل‌عمران: ۳۲ و ۱۳۲؛ نسا: ۵۹ و ۸۰؛ مائده: ۹۲؛ انفال: ۱ و ۲۰؛ نور: ۵۴ و ۵۶؛ محمد: ۳۳؛ مجادله: ۱۳؛ تغابن: ۱۲؛ حجرات: ۱۴ و احزاب: ۳۳) و بر همین سیاق، اطاعت از اولوالامر(نسا: ۵۹) را واجب ساخته است و از اطاعت کافران و منافقان(فرقان:

۵۲؛ احزاب: ۱ و ۴۸)، تکذیب کنندگان (قلم: ۸؛ علق: ۱۹)، اسراف کاران (شعرا: ۱۵۱)، پیروی کنندگان از هوا و هوس و غافلان از خداوند (کهف: ۲۸)، گناهکار و گنه پیشه (قلم: ۱۰؛ انسان: ۲۴) و حتی پدر و مادری که فرزند را به شرک وادار کنند (عنکبوت: ۸؛ لقمان: ۱۵) نهی کرده است.

در کاربردهای قرآنی مفهوم اگرچه مفهوم «امامت» با مفاهیم ولایت، تبعیت و اطاعت به طور مستقیم در یک آیه به کار نرفته است، اما اگر به میدان معنایی هدایت به عنوان یک کلمه کانونی بنگریم، درمی یابیم که هریک از سه مفهوم ولایت، تبعیت و اطاعت با یکدیگر ارتباط معنایی محکم و استواری دارند، به گونه ای که هدایت الهی، پیروی از خداوند (طه: ۱۲۳) و اطاعت از دستورات الهی (اعراف: ۳۰) است (علوی نژاد، ۱۳۷۹: ۴۰).



۴. میدان معنایی ظلم از نگاه قرآن کریم

واژه ظلم و مشتقات آن در قرآن ۳۱۵ مرتبه، در ۵۹ سوره و ۲۹۰ آیه به کار رفته است و یکی از مفاهیمی است که بسیاری از همه صفات منفی دیگر بر محور آن می گردد و از چنان مقام مهمی برخوردار است که دانستن ساختمان معنایی آن برای دریافت معنای درستِ بیشتر صفات اخلاقی مثبت، لازم است؛ حتی مفهوم ایمان و در مقابل آن کفر به عنوان والاترین و منفی ترین ارزش های اخلاقی و دینی در اسلام را می توان از طریق تجزیه و تحلیل مفهوم ظلم روشن ساخت. این واژه در قرآن نقشی فوق العاده با اهمیت دارد و یکی از مهم ترین واژه های ارزشی منفی در قرآن است. فراهیدی در کتاب کتاب العین درباره معنای واژه ظلم می نویسد: «الظلمُ أخذُك حقَّ غيرك» (فراهیدی، ۱۴۲۵ق، ج ۲: ۱۱۱۶) و زبیدی در تاج العروس می گوید: «الظلمُ التصرفُ في ملك الغير و مجاوزة الحد و لهذا كان مُحالاً في حق الله تعالى إذا العالم كله ملكه» (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷: ۴۴۷).

ابن فارس در معجم مقاییس اللغة (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۵۹۳) و فیومی در مصباح المنیر با ارائه تعریفی مشابه یکدیگر می‌نویسند: «وضع الشيء في غير موضعه و في المثل: من استرعى الذئب فقد ظلم» (فیومی، ۱۴۲۵ ق: ۳۸۶) همچنین ابن منظور در لسان العرب با ارائه تعریفی مشابه فیومی، اصل و ریشه آن را همان بیان زبیدی دانسته است: «الظلم الميل عن القصد و وضع الشيء في غير موضعه و اصل الظلم الجور و مجاوزة الحد» (ابن منظور، ۱۹۹۷م، ج: ۹: ۱۹۱)؛ و سخن راغب در مفردات که آن را چنین معرفی کرده است: «الظُّلْمُ عند أهل اللغة و كثير من العلماء وضع الشيء في غير موضعه إما بزيادة أو نقصان و إما بحدول عن وقته و مكانه» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج: ۱: ۵۳۷) وی در ادامه به نقل از برخی از حکیمان می‌گوید، ظلم سه نوع است:

۱. ظلم بین انسان و خداوند که بزرگ‌ترین آن کفر و شرک و نفاق است. (بقره: ۲۵۴؛

لقمان: ۱۳؛ زمر: ۳۲؛ انعام: ۲۱، ۹۳ و ۱۴۴)

۲. ظلم بین خود و دیگران. (شوری: ۴۲؛ اسراء: ۳۳)

۳. ظلم به خویشتن. (فاطر: ۳۲؛ نساء: ۶۴؛ بقره: ۲۳۱)

اما در یک نگاه کلی‌تر در مقام تصور می‌توان گفت که ظلم از سه جهت متصور می‌شود؛ ظلم از سوی خدا به انسان، ظلم از سوی انسان به خداوند و دیگر ظلم از سوی انسان نسبت به دیگر انسان‌ها و موجودات. قرآن کریم همه‌جا تکرار می‌کند که خداوند به کسی ظلم روا نمی‌دارد (کهف: ۴۹؛ اسراء: ۷۱؛ نساء: ۴۹؛ غافر: ۳۱؛ ق: ۲۹) به عبارت دیگر خداوند سزای هر عملی را که آدمی بر روی زمین انجام داده است به نحوی شایسته به او می‌دهد و به هر حال به آدمی ظلم روا نخواهد داشت (یس: ۵۴؛ غافر: ۱۷؛ انفال: ۵۱؛ بقره: ۲۸۱؛ انعام: ۱۶۰؛ انفال: ۶۰؛ نحل: ۱۱۱؛ حج: ۱۰؛ مؤمنون: ۶۲؛ زمر: ۶۹؛ زخرف: ۷۶؛ جاثیه: ۲۲؛ احقاف: ۱۹؛ مریم: ۶۰؛ انبیاء: ۴۷)

از جهت ظلم انسان به خداوند، ظلم عبارت است از تجاوز از حدودی که خداوند تعالی برای رفتار و کردار آدمی قرار داده است؛ حال آنکه از جهت ظلم انسان به دیگران (غیر از خداوند) ظلم عبارت است از پا بیرون نهادن از حدود مقررات اجتماعی که به وسیله اجتماع شناخته شده است. با در نظر گرفتن اینکه خداوند در کوچک‌ترین امور انسانی دخالت داشته و برنامه‌ای تعیین کرده است، تمایز دادن میان این دو جنبه از ظلم بسیار دشوار و گاه غیرممکن است. به همین سبب است که در جرائم جنبه حق‌اللّهی لحاظ شده است. برای نمونه سرقت به عنوانی امری حقوقی و اجتماعی مصداقی از ظلم دانسته

شده است (یوسف: ۷۵؛ مائده: ۳۸ و ۳۹) در ادامه اشاره‌ای گذرا به بعضی از مهم‌ترین واژگان کلیدی شبکه معنایی «ظلم» خواهد شد.

الف) ظلم و کفر

مهم‌ترین واژه در میدان معنایی ظلم، مفهوم کفر است که خود دارای شبکه معنایی پیچیده‌ای است. واژه‌های مهم و کلیدی در این شبکه معنایی عبارت‌اند از ظلم، فسق یا فسوق و اعتدا. به ویژه در بافت‌هایی که مربوط به دریافت موهبت‌ها یا نعمت‌ها می‌شود، واژه کفر به طور طبیعی معنای پنهان داشتن یا نادیده گرفتن نعمات رسیده به انسان را پیدا می‌کند و مفهوم ناسپاسی و ناشکری می‌یابد. (نحل: ۱۱۲؛ بقره: ۱۵۲؛ ابراهیم: ۳۴؛ نحل: ۸۳)

غالباً در کاربردهای قرآنی شاهدیم که بعضی از ویژگی‌های کفر در مقوله ظلم طبقه‌بندی می‌شوند و آنان که دارای این صفات و ویژگی‌ها باشند، گاهی به جای کافر، ظالم نام می‌گیرند (آل عمران: ۸۶؛ هود: ۱۸ و ۱۹؛ اعراف: ۴۴ و ۴۵؛ نساء: ۱۶۷ و ۱۶۸) هرچند که برخی از مفسرین خاطرنشان می‌کنند که واژه ظلم دارای معنایی کلی‌تر و جامع‌تر از کلمه کفر است.

ب) ظلم و شرک

شرک، معنای وسیع و گسترده‌ای دارد که بارزترین آن شرک به معنای بت‌پرستی است و در قرآن می‌توان رابطه شفاف و واضح معنایی میان واژگان کفر و شرک با ظلم را یافت (مائده: ۷۲؛ لقمان: ۱۳)

ج) ظلم و فسق

فسق در لغت به معنای خارج شدن است و به عنوان یک اصطلاح فنی بر کسی که مرتکب گناه کبیره شده است، اطلاق می‌شود. کلمه فاسق به قدری مشابه کافر است که گاه تمایز میان آن دو از هم دشوار است (بقره: ۹۹؛ توبه: ۸۴) بر این اساس فسق در میدان معنایی ظلم نیز قرار گرفته و در آیاتی گاه مستقیماً (اعراف: ۱۶۲ و ۱۶۳) و گاه غیرمستقیم موازی با ظلم قرار می‌گیرد؛ در جایی که تغییردهندگان احکام الهی را ابتدا کافر (مائده: ۴۴)، سپس ظالم (مائده: ۴۵) و در نهایت فاسق (مائده: ۴۷) معرفی می‌کند.

د) ظلم و تعدی

اعتدا که معنای تقریبی آن پا فرا گذاشتن از حدّ خود و به عبارت دقیق‌تر تعدی و تخطی نسبت به دیگران می‌باشد، با همین تعریف تقریبی مشخص می‌شود که این واژه و واژه ظلم در قلمرو وسیعی از معناهای خود همانند یکدیگر هستند. (بقره: ۲۲۹؛ طلاق: ۱) این وابستگی معنایی نزدیک میان ظلم و اعتدا را می‌توان در حکم شهادت دادن یافت: «وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ» (مائده: ۱۰۷) که به‌روشنی ظلم را نتیجه تعدی می‌شمرد.

هـ) ظلم و تکذیب آیات الهی

در آیات بسیاری از قرآن کریم آنان که از آیات الهی روی گردان هستند و این آیات را تکذیب می‌کنند، ظالم نامیده شده‌اند. (کهف: ۵۷؛ جمعه: ۵) این امر درباره صفت رذیله افتراء یعنی دروغ بستن به خداوند نیز صادق است. فرق میان کذب و افتراء آن است که تکذیب، دروغ شمردن حقیقتی است که دیگری آورده یا بیان داشته است و افتراء، جعل دروغ است. در بعضی آیات این دو در کنار یکدیگر آمده و بر مجموع آن دو کلمه، ظلم اطلاق شده است. در قرآن کریم آیات متعددی (انعام: ۲۱، ۹۳، ۱۴۴ و ۱۵۷؛ اعراف: ۳۷؛ یونس: ۱۷؛ زمر: ۳۲) به این موضوع اشاره دارد که کسانی که به خدا دروغ بندند و چیزی را به ناحق به خداوند یا خودشان نسبت دهند، ظالم‌اند و دچار تبعات و عواقب آن خواهند شد.

و) ظلم و ضلالت

ضلالت در معنای دینی آن عبارت است از منحرف شدن و دور شدن از صراط مستقیم و جاده هدایت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۵۰۹) و قرآن مجید گاه با استفاده از مفهوم ضلالت (یوسف: ۳۰؛ مریم: ۳۸؛ لقمان، ۱۱؛ انعام: ۵۶؛ قصص: ۵۰) و گاه با استفاده از مفهوم هدایت (مقابل ضلالت) به معرفی مفهوم ظلم پرداخته است. در آیات متعددی خداوند هدایت خود را از ظالمان سلب کرده است (کهف: ۵۷؛ نساء: ۱۶۸) و می‌فرماید: «وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۲۵۸؛ آل عمران: ۸۶؛ مائده: ۵۱؛ انعام: ۱۴۴؛ توبه: ۱۹ و ۱۰۹؛ قصص: ۵۰؛ احقاف: ۱۰؛ صف: ۷؛ جمعه: ۵) و از آن‌رو که هدایت واقعی فقط از آن اوست، بنابراین کسی که هدایت الهی شامل حال او نشود، هدایت‌کننده دیگری نخواهد یافت. (روم: ۲۹) آری هدایت‌یافته کسی است که خود را هیچ‌گاه آلوده به هیچ

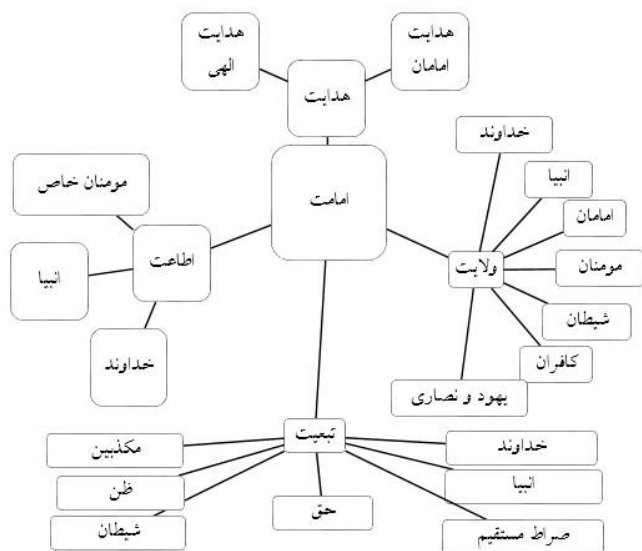
ظلمی نکرده باشد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام: ۸۲)؛ البته بنا به گفته برخی مفسرین، مراد از ظلم در این آیه هرگونه ظلمی نمی‌باشد، بلکه بنا بر روایات از پیامبر گرامی اسلام ﷺ ظلم مذکور در آیه به معنای شرک به خداوند بی‌همتاست. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۴: ۵۰۶)

ح) ظلم و ولایت

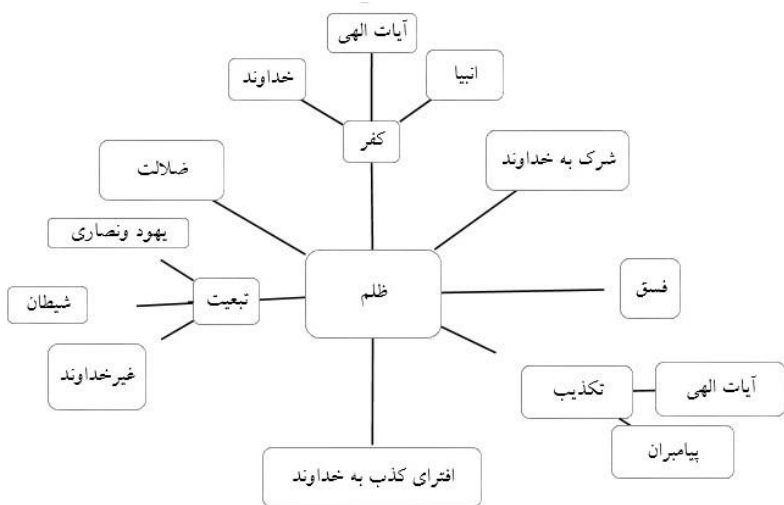
در آیات متعددی از قرآن کریم خداوند متعال به این امر اشاره می‌نماید که ولایت از آن اوست و کسی غیر از او شایستگی ولایت را ندارد (کهف: ۴۴؛ شوری: ۲۸؛ انفال: ۴۰؛ انعام: ۶۲؛ شوری: ۹) و برای داخل شدن در ولایت الهی بایستی ایمان داشت و از او و پیامبرش پیروی کرد (جاثیه: ۱۹) در نتیجه کافران و ظالمان از ولایت او خارج‌اند و بهتر آنکه بگوییم با انتخاب خود، نه‌تنها خویش را از ولایت او خارج ساخته‌اند (محمد: ۱۱؛ شوری: ۸)؛ بلکه بالاتر از آن خود را در ولایت شیطان و طاغوت قرار داده‌اند. (بقره: ۲۵۷) از نگاه قرآن کریم، پذیرش ولایت افراد و گروه‌هایی خاص نه‌تنها سبب خروج از ولایت الهی می‌شود، بلکه فرد را در زمره آنان در خواهد آورد و به صورت هم‌زمان کافر و ظالم نامیده خواهد شد. (توبه: ۲۳؛ مائده: ۵۱)

بحث و نتیجه

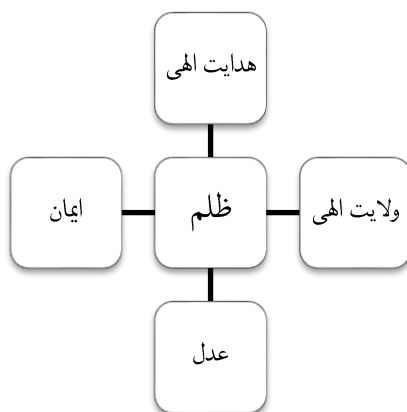
تحقیق حاضر با استفاده از روش میدان معنایی ایزوتسو به تبیین مؤلفه‌های مفهوم ظلم و امامت در نظام واژگان قرآن کریم پرداخته و در نهایت شبکه معنایی آن را در لایه اول و دوم ترسیم کرده است تا روشن شود مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده این مفهوم چیست و چه کلمات کلیدی در حوزه معنایی آن قرار دارند. در نمودارهای زیر، شبکه معنایی هریک از واژگان به نمایش درآمده است:



نمودار (۱) واژگان کلیدی میدان معنایی امامت (واعظ زاده: ۱۳۹۶)



نمودار (۲) واژگان کلیدی موافق با مفهوم ظلم (واعظ زاده: ۱۳۹۵)



نمودار (۳) واژگان کلیدی مقابل با مفهوم ظلم (واعظ زاده: ۱۳۹۵)

مشاهده می‌کنیم که مفهوم امامت در شبکه معنایی و واژگان قرآن برابر با هدایت، ولایت، اطاعت و تبعیت است و در میدان معنایی ظلم، مفاهیم کلیدی همچون ضلالت، کفر، تکذیب آیات الهی و در مقابل آن هدایت الهی، ایمان و ولایت قرار دارند. با بررسی میدان معنایی این دو به این نتیجه می‌رسیم که این دو مفهوم از سه جهت در مقابل هم قرار می‌گیرند؛ تبعیت، اطاعت و هدایت.



امامت الهی همیشه همراه با هدایت است، هدایتی مستمر و همراه و در مقابل ظالمان که راهی به هدایت ندارند. این هدایت الهی در صورتی محقق می‌شود که ولایت امامان منصوب از سوی او را پذیرفت و نه ولایت ظالمان را. ولایت نیز در صورتی معنا می‌یابد که از امام و ولی اطاعت و تبعیت کرد. مفهوم این کلام آن است که پیروی و اطاعت از ظالمان، نه تنها سبب خروج از دایره ولایت امام می‌شود، بلکه بالاتر اینکه چنین فرد یا افرادی را داخل در زمره گمراهان و ضالین خواهد نمود.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم (ترجمه محمد مهدی فولادوند)
- قرآن کریم (ترجمه ناصر مکارم شیرازی)
- نهج البلاغه
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور الافریقی، محمد بن مکرم (۱۹۹۷م)، *لسان العرب*، ج ۱، بیروت: دار صادر.
- اختیار، منصور (۱۳۴۸)، *معنی شناسی*، تهران: دانشگاه تهران.
- اسعدی، محمد (۱۳۸۹)، «تبیین امامت قرآنی به مثابه مقامی مستقل از نبوت با تأکید بر آیه ابتلا»، *قرآن شناخت*، س ۳، ش ۲، ص: ۲۰۸-۱۹۳.
- ایزوتسو، توشی هیکو (۱۳۸۸)، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، ج ۶، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، ج ۱، دمشق: دارالعلم / الدار الشامیه.
- رهنما، هادی (۱۳۸۷)، «حوزه معنایی نام‌های گناه در قرآن کریم و نقد ترجمه‌های فارسی بر اساس آن»، *مطالعات قرآن و حدیث*، س ۱، ش ۲، ص ۱۴۷-۱۱۳.
- زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالفکر.
- سعیدی روشن، محمد باقر (۱۳۸۷)، «متن، فرا متن و تحلیل معنای پایه و نسبی و تطبیق آن با تفسیر»، *مطالعات اسلامی*، ش ۸۰، ص: ۷۵-۱۰۸.
- سیدی، سید حسین (۱۳۹۰)، *تغییر معنایی در قرآن (بررسی رابطه بینا متنی قرآن با شعر جاهلی)*، ج ۱، تهران: سخن.

- شریفی، صالحه (۱۳۹۵)، *میدان معنایی ابتلاء در قرآن*، ج ۲، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
- صفوی، کورش (۱۳۷۹)، *درآمدی بر معناشناسی*، ج ۱، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۵ق)، *المیزان فی التفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، *ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، تهران: فراهانی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۵۶)، *ترجمه تفسیر طبری*، ج ۲، تهران: توس.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- علوی‌نژاد، سید حیدر (۱۳۷۹)، «*حوزه معنایی «ولایت» در قرآن و نهج‌البلاغه*، پژوهش‌های قرآنی، سال ۶، ش ۲۳-۲۴، ص: ۴۰-۵۵.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۲۵ق)، *کتاب العین*، ج ۲، قم: انتشارات اسوه.
- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیومی، احمد بن محمد بن علی (۱۴۲۵ق)، *مصباح‌المنیر*، ج ۳، انتشارات، قم: دارالهجرة.
- قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۳)، *بیولوژی نص (نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن)*، ج ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، ج ۶، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- کاظمی، معصومه (۱۳۹۴)، «*میدان معنایی اطاعت در قرآن کریم*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزش عالی بنت الهدی.

- لاینز، جان (۱۳۸۵)، *مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان‌شناختی*، ترجمه حسین واله، تهران: گام نو.
- لطفی، سید مهدی (۱۳۹۳)، «بررسی و نقد معناشناسی قرآنی ایزوتسو»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، س ۳، ش ۲: ۳۹-۵۲.
- مصلاهی پور یزدی، عباس (۱۳۹۰) و مروت محمدی، «معناشناسی زهد در نهج‌البلاغه بر اساس روش معناشناختی ایزوتسو»، مطالعات قرآن و حدیث، س ۴، ش ۲: ۹۷-۱۲۷.
- مطیع، محمد (۱۳۸۸)، احمد پاکتچی و بهمن نامور مطلق، «درآمدی بر استفاده از روش‌های معناشناسی در مطالعات قرآنی»، پژوهش دینی، ش ۱۸: ۱۰۵-۱۳۲.
- نیاززاده، علیرضا (۱۳۸۴)، «معناشناسی واژه‌های قرآن و تفسیر موضوعی»، معرفت، ش ۹۶، ص: ۴۲-۵۱.
- هادی، اصغر (۱۳۹۱)، «روشی نوین در معناشناسی مفاهیم و واژه‌های قرآنی»، پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱۸، ش ۷۲: ۸۶-۱۰۲.
- واعظزاده، سیدعلی (۱۳۹۵)، «میدان معنایی ظلم در قرآن کریم به روش میدان معنایی»، دوفصلنامه تخصصی اندیشه‌های قرآنی، س ۳، ش ۶: ۸۰-۵۵.
- _____ (۱۳۹۶)، «معناشناسی «امام» در قرآن کریم به روش میدان معنایی»، دوفصلنامه تخصصی اندیشه‌های قرآنی، س ۴، ش ۷: ۱۳۳-۱۱۳.
- واقف‌زاده، شمسی (۱۳۸۹)، «مفهوم و مراتب ولایت در قرآن کریم»، فصلنامه دین پژوهی و کتابشناسی قرآنی فدک، دوره ۱، ش ۴: ۲۳۸-۲۱۱.